

از شکل‌گیری ایده تا طرح نهایی نمای جنوبی ساختمان مسکونی

طراحی نمای جنوبی این پروژه با هدف ایجاد تعادلی میان الزامات عملکردی ساختمان، کنترل شرایط نوری، هویت بصری و بیان معاصر معماری شکل گرفت. رویکرد اصلی طرح بر این اساس استوار است که نما صرفاً پوسته‌ای برای پوشاندن ساختمان نباشد، بلکه به‌عنوان واسطه‌ای میان فضای داخلی و محیط بیرون، از طریق عمق، سایه، ریتم و تنوع متریالی، به بخشی فعال از سازمان‌دهی معماری تبدیل شود.

نقطه آغاز طراحی، شناخت ساختار پلان و شرایط فضایی نمای جنوبی بود. با توجه به قرارگیری دو بالکن مجزا در بخش میانی و آشپزخانه‌ها در طرفین، همچنین تیپ بودن پلان‌ها در شش طبقه، ضرورت ایجاد نظامی عمودی و در عین حال پرهیز از یکنواختی در تکرار طبقات، مبنای شکل‌گیری ایده قرار گرفت. از سوی دیگر، با توجه به شرایط نورگیری آشپزخانه‌های جنوبی، استفاده از پیش‌آمدگی‌ها، فرورفتگی‌ها و تغییرات هندسی پوسته به‌عنوان راهکاری برای ایجاد سایه و کنترل کیفیت تابش مورد توجه قرار گرفت.

در مرحله نخست، محور میانی نما به‌عنوان عنصر سازمان‌دهنده طراحی تعریف شد. تداوم بالکن‌ها در طبقات، امکان شکل‌گیری یک محور عمودی را فراهم کرد؛ محوری که ضمن ایجاد انسجام در ترکیب کلی، در ارتباط با دو بخش جانبی، زمینه شکل‌گیری یک ترکیب متعادل اما غیرمتقارن را به وجود می‌آورد. بر همین اساس، تصمیم گرفته شد دو طرف نما از نظر هندسی کاملاً مشابه نباشند تا ضمن حفظ وحدت کلی، تنوع و پویایی بیشتری در خوانش نما ایجاد شود.

در بخش غربی، پوسته‌ای با انحناى رو به داخل طراحی شد که از بام تا محدوده همکف امتداد می‌یابد و به بالکن مرکزی متصل می‌شود. این انحنا با هدف ایجاد عمق بیشتر در سطح نما و تقویت سایه‌اندازی در اطراف بازشوها شکل گرفت. برای پنجره‌های آشپزخانه، جان‌پناه‌های آجری با انتهای منحنی در نظر گرفته شد و جابه‌جایی آن‌ها به‌صورت یک طبقه در میان، ریتمی متغیر در امتداد ارتفاع ایجاد کرد. این تغییرات، علاوه بر جلوگیری از تکرار یکنواخت عناصر، حرکت بصری را در سطح نما تقویت می‌کنند. در ادامه، استفاده از سنگ مرمریت سبز رگه‌دار در پیرامون پنجره‌ها، به تأکید بر عمق فرورفتگی‌ها و ایجاد قاب‌بندی و پیوستگی عمودی در این بخش کمک می‌کند.

در بخش شرقی، رویکردی متفاوت نسبت به بخش غربی اتخاذ شد. پوسته ساختمان با انحناى رو به بیرون شکل گرفت تا در کنار فرورفتگی‌های بخش مقابل، تنوع هندسی و حس پویایی بیشتری ایجاد شود. جابه‌جایی پنجره‌ها در طبقات و طراحی قاب‌های منحنی در طرفین آن‌ها، به شکل‌گیری خوانشی لغزنده و متحرک از بازشوها کمک می‌کند. همچنین قرارگیری قطعات سنگی شیاردار در بخش‌های بالایی و پایینی پنجره‌ها، ضمن ایجاد ارتباط بصری میان بازشوها، به تقویت پیوستگی عناصر و تأکید بر حرکت پوسته کمک می‌کند.

در بخش مرکزی، هدف اصلی حفظ انسجام میان دو بخش جانبی و تقویت محور عمودی نما بود. تداوم آجر به‌عنوان متریال غالب، همراه با نوارهای ظریف سنگ مرمریت سبز و نرده‌های فلزی، باعث ایجاد ارتباط میان بخش‌های مختلف نما می‌شود. نرده‌ها و پروفیل‌های پنجره با استفاده از آلومینیوم مشکی مات تعریف شدند تا در کنار رنگ و بافت آجر و سنگ، تضادی کنترل‌شده ایجاد کنند و جزئیات معماری معاصر را برجسته سازند.

انتخاب متریال بر پایه ایجاد هماهنگی میان بافت، رنگ، عمق و عملکرد صورت گرفت. آجر به‌عنوان عنصر غالب و عامل ایجاد یکپارچگی در پوسته، سنگ مرمریت سبز رگه‌دار به‌عنوان عنصر تأکیدکننده در قاب‌بندی‌ها و نقاط تغییر هندسه، و آلومینیوم مشکی مات و شیشه به‌عنوان اجزای تکمیل‌کننده بازشوها و عناصر فلزی انتخاب شدند. در این ترکیب، متریال‌ها در کنار یکدیگر نقشی فراتر از پوشش تزئینی پیدا می‌کنند و به تعریف سلسله‌مراتب، خوانایی و ریتم نما کمک می‌رسانند.

در طراحی ورودی نیز تلاش شد ارتباط میان نمای ساختمان و فضای همکف حفظ شود. استفاده از درهای فلزی در ورودی ساختمان و پارکینگ، هماهنگ با جزئیات فلزی نما، در کنار سامان‌دهی فضای سبز محدود در محدوده ورودی، به شکل‌گیری فضایی خوانا و دعوت‌کننده کمک می‌کند.

در نهایت، طرح نما حاصل فرآیندی مبتنی بر شناخت پلان، تحلیل شرایط نورگیری، سازمان‌دهی محور عمودی، ایجاد تفاوت هندسی میان دو بخش جانبی و انتخاب هدفمند متریال‌هاست. ترکیب پوسته‌های منحنی، فرورفتگی‌ها و پیش‌آمدگی‌ها، ریتم بازشوها، تضاد کنترل‌شده میان آجر، سنگ، فلز و شیشه و تداوم عناصر عمودی، تلاش می‌کند نمایی معاصر و منسجم ایجاد کند؛ نمایی که ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای عملکردی و الزامات طراحی، از طریق ایجاد عمق، سایه و حرکت، هویت بصری مستقل و قابل تشخیصی برای ساختمان شکل می‌دهد.